

سرمایه فرهنگی خانواده و ذائقه فراغتی دانشجویان با رویکرد نظری بوردیو

(مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه تهران)*

۱ افسانه ادیسی

۲ احسان رحمانی خلیلی

۳ سیده نرگس حسینی امین

چکیده:

جایگاه اجتماعی هر کنشگر متأثر از انواع سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. تفاوت‌ها و افتراق‌ها در سرمایه‌های افراد، سلیقه‌ها و ترجیحات متفاوتی در نحوه گذران اوقات فراغت ایجاد می‌کند. تحلیل عمده بوردیو از اوقات فراغت بر سرمایه فرهنگی استوار است. هدف مقاله شناسایی رابطه شیوه‌های گذران اوقات فراغت با سرمایه فرهنگی خانواده‌های دانشجویان و شیوه‌های گذران اوقات فراغت در گروه‌های مختلف جنسیتی و وضعیت تأهل می‌باشد. رویکرد مقاله توصیفی-مقایسه‌ای و روش تحقیق پیمایشی است. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان دانشگاه تهران در سال ۸۹ می‌باشد. برای محاسبه حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده و تعداد ۴۰۰ نفر انتخاب گردید که دانشجویان به روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی نامتناسب و تصادفی ساده انتخاب شده‌اند. شیوه‌های گذران اوقات فراغت به پنج گروه تقسیم گردید که عبارتند از: فکری، اجتماعی، تفریحی - سرگرمی، هنری - فرهنگی و جسمانی. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که اوقات فراغت دانشجویان بیشتر با فراغت‌های جسمانی و تفریحی-سرگرمی پر می‌شود و فراغت‌های تفریحی - سرگرمی و اجتماعی در بین دانشجویان زن بیش از مردان و فراغت تفریحی - سرگرمی و جسمانی در بین دانشجویان متأهل بیش از مجردین است. همچنین سرمایه فرهنگی در بین دانشجویان علوم پایه بیش از علوم انسانی می‌باشد و سرمایه فرهنگی با انواع فراغت به جز فراغت جسمانی رابطه معناداری دارند و میزان شدت رابطه آن با انواع فراغت به ترتیب؛ فراغت اجتماعی، هنری - فرهنگی، فکری و تفریحی-سرگرمی می‌باشد. **کلید واژه:** سرمایه فرهنگی، نحوه گذران اوقات فراغت، بوردیو، دانشجویان، دانشگاه تهران.

* تاریخ وصول: ۹۰/۱۰/۱۸ تاریخ پذیرش: ۹۱/۱/۳۰

۱- استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال a_edrisi@iau-tnb.ac.ir

۲- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه ehsan5171@yahoo.com

۳- کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی و عضو باشگاه پژوهشگران جوان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

۱- مقدمه

تغییر جوامع سنتی به صنعتی موجب شده است تا انسان‌ها زمان کمتری را به کار اختصاص داده و فرصت بیشتری برای انجام فعالیت‌های فراغتی داشته باشند و علاوه بر آن گسترش شهرنشینی و افزایش خدمات شهری و تنوع تفریحات موجب شکل‌گیری صور جدیدی از اوقات فراغت شده است و امروزه یکی از معیارها و مشخصه‌های میزان توسعه یافتگی جوامع « چگونگی استفاده از اوقات فراغت » است. اصولاً اوقات فراغت و برنامه‌ریزی برای آن یکی از معیارهای شناخت «توسعه یافتگی» شده است. زیرا که اوقات فراغت مانند هر پدیده و موضوع اجتماعی دارای کارکرد خاصی در اجتماع می‌باشد. پرداختن به کارکرد اوقات فراغت در حقیقت تعیین‌کننده نگرش جامعه به این موضوع از نظر اثربخشی آن در فعالیت‌های اجتماعی و به عبارتی تعیین موقعیت آن در توسعه جامعه است.

انجام فعالیت‌های فراغتی مناسب در گذران اوقات فراغت در شکل‌گیری شخصیت پویا، تلاشگر و با نشاط نیروی فکری و معنوی یک جامعه نقش مهم و مؤثری ایفا می‌کند. به گونه‌ای که فرانسیس دوگه می‌گوید: به من بگوئید اوقات فراغت خود را چگونه می‌گذرانید تا بگویم چه کسی هستید و فرزندان خود را چگونه تربیت می‌کنید (صباغ لنگرودی، ۱۳۷۷). بنابراین برنامه‌ریزی، غنی‌سازی و سازماندهی امکانات جهت گذران مطلوب اوقات فراغت برای جوانان امری ضروری می‌باشد و بی‌توجهی و کم‌توجهی بدان نتایج تلخ و زیانباری در پی دارد؛ علیرغم آنکه اوقات فراغت مهمترین و دلپذیرترین اوقات انسان است، اما ممکن است برای عده‌ای متضمن تعمق، تفکر، ساختن و ابداع باشد و برای عده‌ای دیگر ملال‌آور و یا دربردارنده آسیب‌های جسمی و روانی. در برخی از کشورهای در حال توسعه به واسطه کمبود امکانات مناسب تفریحی و همینطور عدم آگاهی و عدم برنامه‌ریزی صحیح و عدم اجرای سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی بسیاری از جوانان به سوی فعالیت‌ها و تفریحات ناسالم می‌روند و ممکن است این تفریحات ناسالم خمیر مایه‌های بروز کج‌روی در این قشر را فراهم آورد.

برداشت افراد از فراغت و نحوه گذران اوقات فراغت برحسب شرایط اجتماعی و تاریخی و دوره زندگی آنان متفاوت است. در رفتارهای فراغتی با توجه به سن، جنس، طبقه اجتماعی و سبک زندگی و .. می‌توان الگوهایی را مشاهده کرد که الگوهای فراغتی افراد را تشکیل می‌دهند و الگوهای فراغتی نامناسب به خصوص در قشر جوان می‌تواند آنها را از چارچوب‌های پذیرفته شده در جامعه دور ساخته و آسیب‌هایی را در این گروه اجتماعی موجب گردد (رفعت‌جاه، ۱۳۸۷). از آنجایی که کشور ما در ردیف کشورهای جوان دنیا می‌باشد، ایجاد امکانات مناسب برای گذراندن اوقات فراغت جوانان می‌تواند نقش مؤثری در شکل‌گیری شخصیت آنان و همینطور سازندگی جامعه داشته باشد.

دیدگاه نظری بوردیو در زمینه‌ی جامعه‌شناسی اوقات فراغت را می‌توان در جامعه‌شناسی فرهنگی وی جستجو کرد. از نظر بوردیو فرهنگ گستره‌ی نسبتاً وسیعی است که تولید مادی و نمادین آثار فرهنگی را

شامل می‌شود که وی از آن به سرمایه فرهنگی تعبیر می‌کند. این سرمایه شامل اموری نظیر محصولات فرهنگی (مانند کتاب، اثر نقاشی و ...) و فعالیت‌هایی نظیر حضور در کنسرت موسیقی، بازدید از موزه‌ها و جشنواره‌ها، تماشای مسابقات ورزشی، حضور در نهادهای آموزشی مناسب و کسب مدرک تحصیلی است. بنابراین از آثار بورديو چنین استنباط می‌شود که جامعه‌شناسی اوقات فراغت او، جزئی از جامعه‌شناسی فرهنگی وی است.

در بسیاری از موارد فرهنگ و فراغت یکسان به نظر می‌رسند و رابطه بین این دو مقوله رابطه بین ظرف و مظهر است. خیلی از فعالیت‌ها تماماً فعالیت فرهنگی و فعالیت فراغتی محسوب می‌شوند و اوقات فراغت از نظر جامعه‌پذیری، مرکز تعاملات و تبادلات فرهنگی به شمار می‌رود (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۶، ۱۱).

نومیر^۱ نیز به ارتباط فراغت و فرهنگ اعتقاد دارد و معتقد است که با دگرگونی جامعه و فرهنگ در طول تاریخ فراغت هم دچار تحول شده است. این تغییر از عادات قومی در گذشته به صورت نهاد در سال‌های اخیر به گونه‌ای است که امروز فراغت به صورت بخشی از ارزش‌های مورد قبول و دارای اهمیت جامعه درآمده است. اوقات فراغت در چارچوب نهادهای فرهنگی در جامعه با یک سری محدودیت‌ها و ضوابط همراه شده است. در جوامع امروز مؤسسات و سازمان مختلف عهده دار انجام آن شده‌اند. بنابراین می‌توان گفت فراغت و اشکال مختلف آن به صورت بخشی از خصایص فرهنگی درآمده‌اند و با شعارها، نمادها و علائم مختلف به عنوان نشانه‌های فرهنگی پیوند خورده‌اند (تیبیا، ۱۳۸۹، ۶۸-۶۷).

میزان و نحوه گذران اوقات فراغت افراد با متغیرهای مهمی مانند سرمایه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، منابع و امکانات خانوار و میزان دسترسی آنان به امکانات ارتباط دارد. در این راستا متفکرین نظرات خاصی را ارائه کرده‌اند از جمله به عقیده بورديو اشکال مختلف سرمایه عامل مهمی هستند که موقعیت و امکانات کنشگران را تعریف می‌کنند (Bourdieu, 1984, 47). در واقع جایگاه اجتماعی هر کنشگر متأثر از انواع سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. بنابراین اشکال مختلف سرمایه عامل اصلی در شناختن موقعیت و امکانات کنشگران در فضای کلی اجتماعی می‌باشند. البته عمده تحلیل بورديو از اوقات فراغت بر سرمایه فرهنگی است و از منظر وی سرمایه فرهنگی با اهمیت‌تر است. سه منبع سرمایه فرهنگی یعنی خانواده، آموزش و فرهنگ شغلی از عواملی هستند که تأثیر آنها بر سبک زندگی و اوقات فراغت جوانان قابل مطالعه است (فاضلی، ۱۳۸۲، ۳۹).

در همه فرهنگ‌ها، خانواده عامل اصلی اجتماعی‌شدن کودک در دوران طفولیت است. در جوامع امروزی، اجتماعی‌شدن پیش از همه در یک زمینه کوچک خانوادگی رخ می‌دهد (گیدنز، ۱۳۷۶، ۸۵). منطقه و طبقه اجتماعی خانواده‌ای که فرد در آن متولد می‌شود نیز بر الگوهای اجتماعی‌شدن به شدت تأثیر می‌گذارد. کودکان شیوه‌های رفتار ویژه پدر و مادرشان یا دیگران را در همسایگی یا اجتماع محلی شان فرا می‌گیرند. بنابراین، گرایش افراد به شیوه‌ها و صور خاص گذران اوقات فراغت، علاوه بر پایگاه اجتماعی و اقتصادی تا اندازه زیادی مؤثر از نحوه‌ی جامعه‌پذیری آنها در خانه، مدرسه و جامعه است.

با توجه به اهمیت خانواده در شیوه‌های گذران اوقات فراغت جوانان، هدف اصلی مقاله حاضر شناسایی رابطه شیوه‌های گذران اوقات فراغت دانشجویان با سرمایه فرهنگی خانواده‌های آنان می‌باشد. از جمله اهداف دیگر مقاله، مقایسه شیوه‌های مختلف گذران اوقات فراغت در گروه‌های جنسیتی و وضعیت تأهل است و همچنین مقایسه سرمایه فرهنگی در گروه‌های جنسیتی، وضعیت تأهل و رشته‌های تحصیلی دانشجویان است.

جهت دستیابی به اهداف بالا در جستجوی پاسخ به سؤالات زیر می‌باشیم:

- شیوه‌های گذران اوقات فراغت دانشجویان و سرمایه فرهنگی خانواده‌های دانشجویان دانشگاه-های تهران چگونه و به چه میزان است؟
- شیوه‌های گذران اوقات فراغت در گروه‌های مختلف جنسیتی و وضعیت تأهل چه تفاوت‌هایی دارد؟
- سرمایه فرهنگی در گروه‌های مختلف جنسیتی، وضعیت تأهل و رشته تحصیلی چه تفاوت‌هایی دارد؟
- رابطه سرمایه فرهنگی خانواده‌ها با نحوه گذران اوقات فراغت دانشجویان دانشگاه تهران چگونه است؟

۲- پیشینه و ادبیات نظری

در دنیای معاصر انسان به فضای حیاتی خود عرصه‌ی دیگری به نام گذران اوقات فراغت افزوده است و مسأله اوقات فراغت زائیده پیشرفت تکنولوژی و فرهنگ است (امین طاهه، ۱۳۷۴). از نظر دومازیه هم اکنون فراغت نه تنها به عنوان حق هر فرد که به عنوان یک ارزش، تثبیت شده است (دومازیه، ۱۳۸۱). جامعه‌شناسی اوقات فراغت، رابطه نزدیکی با مقوله مهم صنعتی‌شدن، ره‌اشدن کارگران از ساعت کاری ممتد، گسترش شهرنشینی و بالاخره ایجاد رفاه نسبی دارد. اگر اولین اثر مدون در بحث جامعه-شناسی فراغت را کتاب ارزشمند تورشتاین و بلن یعنی، نظریه طبقه مرفه، که در سال ۱۸۹۹ میلادی منتشر

شده است بدانیم خاستگاه جامعه‌شناسی اوقات فراغت، امریکا خواهد بود. از سوی دیگر، مطالعات توصیفی رابرت پارک، در ۱۹۲۴ در آمریکا، درباره هنجارها و ناهمنوایی‌های رفتار اجتماعی شهروندان که موجب شکل‌گیری جامعه‌شناسی شهری گردید نیز، توجه بیش از پیش نظریه‌پردازان علوم اجتماعی را به لزوم بررسی رابطه جرم و جنایت با اوقات فراغت فراهم نمود (دومازیه، ۱۳۸۱، ۱۴۸).

اوقات فراغت از ابعاد سبک زندگی است و در اکثر مطالعاتی که در مورد منشأ سبک زندگی انجام شده، به تحصیلات تأکید شده است. تأثیر و نقش تحصیلات را ناشی از افزایش قوه‌شناختی در اثر ارتقای تحصیلی و هم چنین اثر شبکه‌ای تحصیلات می‌دانند (زواره، ۱۳۸۶، ۳۳). آبل در می‌یابد کسانی که تحصیلات بالاتری دارند کار خود را تحت کنترل می‌گیرند و با بالا رفتن تحصیلات در شبکه‌ای از افراد قرار می‌گیرند که الگوی رفتاری مشابه و مبتنی بر انتخاب فرهنگی دارند و به این ترتیب بر سبک زندگی فرد تأثیر می‌گذارند (فاضلی، ۱۳۸۲، ۹۳). نقش تحصیلات را با کنار هم گذاشتن عوامل دیگر می‌توان معنادارتر نمود. تحصیلات و سطوح مختلف آن همراه با تحولات فرهنگی و ارزشی و تأثیرات ساختهای اجتماعی و تحرک‌های اجتماعی که در سطح عمودی و افقی برای افراد ایجاد می‌شود، سبک‌های زندگی را متأثر می‌سازد. تحصیلات از طریق قرارداد فرد در نظام آموزشی که به بازتولید فرهنگی می‌انجامد، تأثیر عوامل دیگر چون مفاهیم پایگاه و طبقه را نیز افزون‌تر می‌کند. به نظر گیدنز مدارس و سایر نهادهای اجتماعی از طریق بازتولید فرهنگی به دایمی کردن نابرابری‌های اجتماعی کمک می‌کنند. این مفهوم ذهن ما را به وسایلی معطوف می‌سازد که به مدد آن مدارس از طریق برنامه‌های پنهان، بر یادگیری ارزش‌ها، نگرش‌ها و عادات و سبک‌های خاص تأثیر می‌گذارند (گیدنز، ۱۳۷۶، ۴۷۲). در جوامعی مانند ایران نفوذ ساختارهای سنتی و غیر رسمی در زندگی افراد فراوان است و حتی بر چگونگی خود مقوله‌ی آموزش و تحصیلات نیز سایه انداخته است. تحصیلات را به لحاظ ایجاد موقعیت طبقاتی و اقتصادی و کسب اعتبار اجتماعی در ذیل سرمایه اقتصادی و اجتماعی هم می‌توان آورد (فاضلی، ۱۳۸۲، ۱۰۱).

دومازیه معتقد است نحو صحیح استفاده از اوقات فراغت به نوع آموزش و رشد فرهنگی آنها بستگی دارد و به نظر می‌رسد که آموزش عمومی کیفیت فراغت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از طرف دیگر خود انسان مدرن نیز در بودجه‌ی خانوادگی خود هزینه بیشتری به اوقات فراغت اختصاص می‌دهد که به نظر دومازیه این هزینه بر حسب طبقات اجتماعی متفاوت است به‌طور مثال یک کارگر ساده از یک کارمند عالی‌رتبه هزینه کمتری صرف اوقات فراغت خود و خانواده‌اش می‌کند. و «احساس فقیر شدن» در آنجایی به افراد دست می‌دهد که در بحث گذران اوقات فراغت «نیازها» سریعتر از «میزان رضامندی» آنها افزایش می‌یابند (اسدی، ۱۳۵۲، ۲۶). او اوقات فراغت را چنین تعریف می‌کند: فراغت مجموعه‌ای از اشتغالاتی است که فرد کاملاً به رضایت خاطر خود یا برای استراحت، یا برای تفریح، یا به منظور توسعه اطلاعات، یا آموزش غیرانتفاعی یا مشارکت اجتماعی داوطلبانه بعد از آزاد شدن از الزامات شغلی، خانوادگی و

اجتماعی بدان می‌پردازد (همان، ۱۵۶). دومازیه در توضیح واژه فراغت در دائره‌المعارف علوم اجتماعی چهار ویژگی اساسی برای فراغت توصیف می‌کند: رها بودن از مسئولیت و کار، نداشتن انگیزه اقتصادی، رضایت و خوشنودی، تحقق توانایی‌ها و رشد استعدادها (محمدرضایی، ۱۳۸۰).

اصطلاح «سرمایه فرهنگی» از قیاس با سرمایه اقتصادی و نظریات و قوانین و تحلیل مباحث مربوط به سرمایه داری رواج یافت (روح الامینی، ۱۳۶۵، ۳۳). ترنر سرمایه فرهنگی را مجموعه نمادها، عادت واره، منش‌ها، شیوه‌های زبانی، مدارک تحصیلی و آموزشی، ذوق و سلیقه‌ها و شیوه‌های زندگی که به طور غیررسمی، بین افراد انسانی معمول و شایع است تعریف می‌کند. کالینز سرمایه فرهنگی را شامل منابعی چون مکالمات از پیش‌اندوخته در حافظه، شیوه زبانی، انواع خاص دانش و مهارت، حق ویژه تصمیم‌گیری و حق دریافت احترام می‌داند (ملاحسنی، ۱۳۸۱، ۳۱). عمده تحلیل بوردیو از سبک زندگی و اوقات فراغت بر سرمایه فرهنگی استوار است و گویا از منظر وی سرمایه فرهنگی با اهمیت‌تر است (همان، ۳۹). سرمایه فرهنگی در برگیرنده تمایلات پایدار فرد است که در خلال اجتماعی‌شدن در وی ایجاد و درونی شده است. بوردیو تحصیلات را نمودی از سرمایه فرهنگی می‌داند. گرایش به اشیاء فرهنگی و جمع شدن محصولات فرهنگی نیز سرمایه فرهنگی به حساب می‌آید. سرمایه فرهنگی در برگیرنده تمایلات پایدار افراد است که در خلال اجتماعی‌شدن در فرد انباشته می‌شوند (فاضلی، ۱۳۸۲، ۳۷).

آن چه بوردیو سرمایه فرهنگی نامید تحت کنترل سرمایه‌داری صنعتی و بازرگانی نبود بلکه توسط لایه‌های روشنفکری و هنری تعیین می‌شد (باکاک، ۱۳۸۱، ۹۷). او سه شکل از اشکال سرمایه فرهنگی را از هم متمایز می‌کند: سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته، سرمایه فرهنگی عینیت یافته و سرمایه فرهنگی نهادینه‌شده. سرمایه فرهنگی در حالت تجسم‌یافته یا ذهنی اکثر خواص سرمایه فرهنگی را می‌توان از این نکته استنتاج کرد که این سرمایه در حالت بنیادین خود با کالبد مرتبط است و مستلزم تجسد است. این نوع سرمایه به مجموع خصلت‌های پرورش یافته در افراد اشاره دارد که از طریق فرایند اجتماعی‌شدن در آنها، درونی می‌شود. بدین ترتیب، سرمایه فرهنگی شمایی از درک و شناخت نسبت به کالاهای فرهنگی را در افراد به وجود می‌آورد. می‌توان اکثر ویژگی‌های سرمایه فرهنگی را از این واقعیت استنباط کرد که این سرمایه با شخصی که در آن تجسم می‌یابد ارتباط نزدیک دارد (نیازی و کارکنان، ۱۳۸۶، ۶۰). بوردیو خاطر نشان می‌سازد که کالاهای فرهنگی متفاوت از کالاهای مادی هستند لذا فرد می‌تواند آنها را بفهمد، یا از طریق درک معنای این کالاها، آنها را مصرف کند. این کالاها می‌تواند شامل موسیقی، فعالیت‌های هنری، فرمول‌های علمی و کارهای فرهنگ عامه بشود (Bourdieu, 1984: 214).

انباشت سرمایه فرهنگی در شکل تجسم‌یافته آن از دوران کودکی در فرد شکل می‌گیرد. انباشت سرمایه در دوران کودکی مستلزم کنش تعلیم و تربیتی است؛ یعنی آن که والدین و دیگر اعضای خانواده زمان لازم برای تربیت بچه‌ها و بودن با آن صرف کنند؛ یا آن که از معلم‌های ماهر برای حساس کردن

کودکان به تمایزات فرهنگی استفاده کنند. در هر حال، سال‌های اولیه زندگی، مهمترین بخش این فرایند است (Swartz, 1997, 75).

سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته را با مهارت‌های فرهنگی و هنری فرد و همچنین میزان صرف وقت برای امور فرهنگی اندازه‌گیری می‌شود. بر این اساس میزان مهارت فرد در هنرهای گوناگون نظیر: موسیقی، تئاتر، نویسندگی، خطاطی، نقاشی و سایر هنرها و مهارت وی در سایر زبان‌های موجود غیر از زبان مادری و همچنین میزان وقت اختصاصی پاسخگو به فعالیت‌هایی مثل مطالعه کتاب، مطالعه روزنامه، مطالعه مجله، استفاده از اینترنت، بازدید از موزه، کنسرت موسیقی، رفتن به سینما، مورد سؤال قرار می‌گیرد (روح الامینی، ۱۳۶۵، ۳۴).

سرمایه فرهنگی در حالت عینیت‌یافته یکی از بدیهی‌ترین و عینی‌ترین اشکال سرمایه فرهنگی، مصرف کالاهای مختلف فرهنگی در میان اقشار مختلف جامعه است که خود می‌تواند تابعی از متغیرهای گوناگون فردی و اجتماعی قرار گیرد. سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته اشاره دارد به اشیایی نظیر کتاب‌ها، نقاشی‌ها، بناهای تاریخی، کارهای هنری و ابزار علمی که برای استفاده از آنها به اطلاعات فرهنگی ویژه‌ای نیازمندیم. سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته در اشیای مادی قابل انتقال است. برای مثال، مجموعه‌ای از تابلوهای نقاشی را می‌توان درست همانند سرمایه اقتصادی منتقل کرد. ولی آن چه قابلیت انتقال دارد، مالکیت قانونی است و نه استعدادی که آن تابلوی نقاشی را خلق کرده است. پس کالاهای فرهنگی را هم می‌توان به صورت مادی به تملک درآورد که مستلزم سرمایه اقتصادی است و هم به صورت نمادین که مستلزم سرمایه فرهنگی است. این به معنی آن است که مالک ابزار تولید، باید راهی را بیابد که با سرمایه متجسد که پیش‌شرط یک استملاک مشخص است از آن خود کند یا خدمات صاحبان این نوع سرمایه را (Bourdieu, 1984, 215). سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته، مجموعه میراث‌های فرهنگی مانند شاهکارهای هنری، تکنولوژی ماشینی و قوانین علمی که به صورت کتب، اسناد و اشیاء در تملک اختصاصی افراد و خانواده‌ها است (روح الامینی، ۱۳۶۵، ۳۴).

بورديو استدلال می‌آورد که رشد چشم‌گیر اشکال عینی و نهادینه‌شده سرمایه فرهنگی در بازارهای نسبتاً مستقل، مهمترین نقش را در شکل‌دهی به ساختار طبقاتی و تولیدات فرهنگی در جوامع پیشرفته، داشته است. بنابراین وی روند تاریخی شکل‌گیری سرمایه فرهنگی را پایه جدیدی برای ایجاد طبقات متفاوت اجتماعی می‌داند. از نظر بورديو توزیع نابرابر سرمایه فرهنگی عینی و نهادی در طبقات جامعه یکی از ابعاد کلیدی نابرابری اجتماعی در جوامع مدرن محسوب می‌شود. افزایش مؤسسات فرهنگی و مدرک-دهی برای روشنفکران یک استقلال جدیدی فراهم می‌آورد که متفاوت از اشکال سنتی آن است که تحت سرپرستی قرار داشتند. کلید رشد و استقلال حوزه فرهنگ از قدرت اقتصادی و سیاسی، نهادینه‌شدن و بسط و گسترش آموزش و مراکز آموزشی است. مؤسسات آموزشی به وسیله ضوابط و معیارهایی که ایجاد

می‌کند، تمایل به حفظ استقلال و امنیت خود دارند. لذا از طریق استخدام پرسنل نوآموز و پرورش یافته برای خودشان مشروعیت ایجاد کرده و راه مداخله سیاسی و فشار اقتصادی را سد می‌کنند و به وسیله تأمین نیروهایشان، روی بازتولید خود کنترل دارند (Swartz, 1997, 77).

بورديو در تحليل‌های جامعه‌شناختی از فعالیت‌های فراغت بر ابعاد خرد و کلان (عاملیت و ساختار) تأکید می‌کند. او معتقد است که هم ساختار عینی (زمینه) و هم عاملیت (ساختمان ذهنی) در انتخاب نوع فعالیت برای گذران اوقات فراغت مؤثرند؛ نگرش دیالکتیکی بین عاملیت و ساختار و مصرف کالاهای فرهنگی به عنوان عنصر تمایز طبقاتی از شاخص‌های عمده‌ای است که جامعه‌شناسی اوقات فراغت بورديو را از سایرین مجزا می‌کند. بدین ترتیب، بورديو به تبیین علی اوقات فراغت در قالب زمینه، عادات واره و ذائقه‌های فراغت دست می‌زند.

«زمینه» یا حوزه عبارت است از زیراجتماعی^۱ که یک عادت‌واره یا منش^۲ در آن حاکمیت دارد. بورديو موجبات بیرونی^۳ را که مارکسیست‌ها از آن با عنوان بحران‌های اقتصادی، تحولات فنی یا انقلاب سیاسی یاد می‌کنند را زمینه محسوب می‌نماید. (بورديو، ۱۳۸۰، ۱۶). نکته‌ی مهم این است که زمینه، چندبُعدی^۴ است؛ یعنی دارای ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است (ریترز، ۱۳۸۰، ۷۵۹). منش (عادت‌واره) خصلت دیالکتیکی دارد و بورديو تلاش می‌کند تا ابعاد ذهنی و عینی مسأله را به منزله‌ی وجود جدایی‌ناپذیر یک واقعیت تاریخی تبیین کند (بورديو، ۱۳۷۹، ۱۵۱ و تنهایی، ۱۳۸۴، ۱). از این‌رو عادت‌واره هم مبین رفتار فردی است و هم مبین شکلی از زندگی و نوع فضا یا جو اجتماعی که در هیأت مجموعه‌ای از رسوم و نهادهای جمعی عینیت یافته است.

در مورد رابطه‌ی بین زمینه و منش (عادت‌واره) نیز دیدگاه رابطه‌گرای بورديو اصرار دارد که فعالیت فراغتی محصول دیالکتیکی زمینه و منش انجام‌دهنده‌ی آن فعالیت است. بدین ترتیب آنچه جامعه‌شناسی اوقات فراغت و فرهنگی بورديو را از سایرین متمایز می‌کند، در نگاه دیالکتیکی بین زمینه و منش یا عینی‌گرایی و ذهنی‌گرایی است که بورديو نیز مدعی است که سایر جامعه‌شناسان از آن چشم‌پوشی کرده‌اند (ریترز، ۱۳۸۰). به طور کلی او معتقد است که نسبت میان عادت‌واره و زمینه رابطه‌ی تعاملی وجود دارد و تقویت هر یک به وسیله‌ی دیگری تا حدود زیادی ناخودآگاه و به سبب نوعی تربیت عملی است که در جریان کار و در قالب روابط جمعی درون آن به وجود می‌آید (بورديو، ۱۳۸۰، ۸۳). بنابراین بورديو

1- Sub-Social

2- Habitus

3- External Determinates

4- Multidimination

به رابطه‌ی مکانیکی بین زمینه و عادت‌واره معتقد نیست؛ بلکه معتقد است بر اثر رابطه‌ی تعاملی آنها فعالیت‌های فراغتی مدام در حال تولید و باز تولید است.

از جمله مفاهیمی که بوردیو در تحلیل فعالیت‌های فراغتی استفاده می‌کند، مفاهیم موضع^۱ و موضع‌گیری^۲ است. بوردیو عقیده دارد که هرگونه موضع‌گیری فرهنگی در ارتباط با جایگاه افراد است. مفهوم موضع، بیشتر واجد خصلت عینی و ساختاری و گویای مقام و موقعیت و جایگاه هر یک از عناصر و عوامل متعلق به حوزه‌های گوناگون نظیر حوزه‌ی قدرت، حوزه‌ی تولید فرهنگی، حوزه‌ی اقتصاد و... است. ولی مفهوم موضع‌گیری بیشتر جنبه ذهنی دارد که متضمن معنای خُلق و خوی و منش است. این مفهوم بیانگر کنش‌ها، طرح‌ها، عملکرد هر یک از عناصر و عوامل متعلق به یک حوزه‌ی خاص است. همچنین، موضع و موضع‌گیری یا خُلق و خوی، هر دو محصول و ثمره‌ی فرایند تاریخی‌اند که در یکدیگر تأثیر متقابل می‌گذارند (بوردیو، ۱۳۷۹، ۱۵۰).

بوردیو عادت‌واره را با یک مفهوم دیگر به نام ذائقه^۳ پیوند می‌زند. ذائقه نیز یک عملکرد است که یکی از کارکردهایش این است که افراد جامعه از طریق ذائقه به ادراکی از جایگاه‌شان در نظام اجتماعی می‌رسند. ذائقه، همه‌ی کسانی را که سلیقه‌ی به نسبت یکسانی دارند به هم نزدیک می‌کند و از این طریق آنها را از افراد دیگر جدا می‌کند. از طریق ذائقه انسان‌ها دیگران و نیز خودشان را در جامعه طبقه‌بندی می‌نمایند (ریترز، ۱۳۸۰، ۷۲۷). مثلاً آدم‌ها را بر حسب ذائقه‌هایی که از خود نشان می‌دهند و با ترجیح قائل شدن‌هایشان برای انواع فعالیت‌های فراغتی متفاوت مانند گوش دادن به موسیقی، دیدن فیلم سینمایی یا خواندن شعر می‌توان دسته‌بندی کرد. ذائقه‌ها محصول اجتماعی بوده و یکی از شاخص‌های سرمایه‌ی فرهنگی را تشکیل می‌دهند.

می‌توان گفت ذائقه (قریحه) مجموعه تمایلات درونی است که برخلاف تصور معمول فقط به نوع برداشت یا مواجهه فرد با محصولات فرهنگی و هنری مربوط نمی‌شود. قریحه قادر است سازوکار سبک زندگی را توضیح دهد. بر همین اساس بخشی از مطالعات توصیفی سبک زندگی تلاش برای توصیف قریحه‌های افراد و نشان دادن ساختار منسجم قریحه است (فاضلی، ۱۳۸۲، ۱۰۱). در نهایت هر مجموعه فعالیت که بخواهد به بخشی از سبک زندگی و اوقات فراغت تبدیل شود، باید با تمایلات قریحی فرد متناسب باشد. محیط‌های آموزشی در جوامع مدرن، گروه همسالان و خانواده بر ذائقه تأثیر می‌گذارند. از نظر بوردیو، ذائقه را می‌توان به عنوان نوعی از سرمایه فرهنگی دید که ایجاد تبعیض و تمایز بین انواع گروه‌های منزلتی را امکان‌پذیر می‌کند» (باکاک، ۱۳۸۱، ۹۹).

1- Position

2 - Disposition

3 - Taste

از نظر بورديو منش و ذائقه‌ی فراغتی، خود متأثر از زمینه (میدان) است و یک فعالیت فراغتی فی‌نفسه فعالیت فراغتی تلقی نمی‌شود، بلکه در جامعه و در ارتباط با دیگران شکل پیدا می‌کند. از طریق زمینه است که انواع و شیوه‌های گذران اوقات فراغت خلق و به عنوان فعالیت فراغتی تولید و بازتولید می‌شود. بنابراین، هر فعالیتی برای گذران اوقات فراغت در فضایی از امکان‌ها انجام می‌شود. این فضا با تعریف و مشخص کردن مسائل، مراجع، ملاک‌ها و معیارهای فکری، فعالیت‌های افراد موجود در این فضا را جهت می‌دهد، بدون اینکه افراد در این زمینه آگاه باشند. فضای امکان‌ها سبب می‌شود که بعضی از فعالیت‌های فراغتی به زمان و دوره تاریخی خاص تعلق داشته یا اینکه از مد افتاده باشد. در نهایت بورديو همه‌ی عوامل مذکور را وابسته به زمینه می‌داند؛ چرا که زمینه‌ها خود می‌توانند در ایجاد عادت و ذائقه‌ها مؤثر باشد (ibid, 178).

بورديو مفهوم تمایز را با مفهوم سرمایه‌ی فرهنگی پیوند می‌زند و معتقد است که سرمایه فرهنگی موجب تفاوت است و به دائمی کردن تفکیک‌ها و نابرابری‌های اجتماعی کمک می‌کند. بورديو تأکید می‌کند که گروه‌های نخبه تعیین می‌کنند که چه چیزی پذیرفتنی یا سرمایه فرهنگی با ارزش است. بنابراین قدرت، مشروعیت خلق می‌کند و همواره طبقات حاکم، ذائقه‌ها، ارزش‌ها، دانش‌ها و... را مشروع یا نامشروع می‌دانند (لوپز و اسکات، ۱۳۸۵، ۱۳۸؛ جنکینز، ۱۳۸۵، ۱۷۳).

یک عادت خاص آنگاه آشکار می‌شود که به گونه‌ای آماری نشان داده شود که طیفی از متغیرها (شغل، سطح تحصیلات، درآمد، ذوق هنری، سلیقه‌ی غذایی و...) به یکدیگر گره خورده‌اند. چنین است که استاد دانشگاه در رشته‌ی حقوق، برخلاف کارگر یدی، بیشتر احتمال دارد که به مدرسه‌ی خصوصی رفته باشد، گوش دادن به موسیقی را ترجیح دهد، درآمد بالایی داشته باشد و از غذای ساده اما با سلیقه تهیه‌شده از گوشت بدون چربی همراه سبزی و میوه‌ی تازه خوشش بیاید. این گره‌خوردگی (انواع گوناگون گرایش‌ها) همان چیزی است که به گفته‌ی بورديو، مجموعه‌ای خاص از خلق و خو‌ها یا یک عادت را تشکیل می‌دهد (لچت، ۱۳۷۷، ۸۲-۸۱).

بنابراین در مورد تأثیر زمینه و عادات و ذائقه، بورديو معتقد است دو فرد دارای دو منش (عادت‌واره) متفاوت که شرایط و محرک‌های واحدی را تجربه نکرده‌اند، فعالیت‌های واحدی را برای گذران اوقات فراغت خود انجام نمی‌دهند و در نتیجه درباره‌ی ارزش آن نیز حکمی یکسان صادر نمی‌کنند. علاوه بر اینکه زمینه‌های مختلف باعث ایجاد صور مختلف گذران اوقات فراغت می‌شود، از منظر کارکردی نیز انجام صور گذران اوقات فراغت مختلف نوعی هویت‌یابی است که در جریان این هویت‌یابی، یک فعالیت فراغتی از سایر فعالیت‌ها متمایز می‌گردد. بنابراین، در فعالیت‌های فراغتی نوعی عنصر تمایزبخش وجود

1- The Space of Possibles

دارد. بورديو نیز از مفهوم تمایز در تحلیل خود استفاده کرده است. وی استدلال می‌کند که تمایزهای اجتماعی را می‌توان در مجموعه‌ی متنوعی از اعمال اجتماعی که بطور سنتی مربوط به فراغت می‌شود مثل تعطیلات، ورزش‌ها، مطالعه، موسیقی، سینما و سایر ذوق و قریحه‌ها مشاهده کرد (اباذری و چاووشیان، ۱۳۸۱، ۱۵؛ هینیک، ۱۳۸۴، ۷۷).

بورديو معتقد است، حس زیبایی‌شناختی گروه‌های مختلف در تقابل با یکدیگر تعریف و متمایز می‌شود. ذوق و سلیقه در وهله‌ی اول و قبل از هر چیز بی‌میلی و اکراه نسبت به سلايق دیگران است. دلیل این امر آن است که اعمال و رویه‌های فرهنگی، به تن کردن لباس جین یا بازی گلف یا فوتبال، بازدید از موزه یا نمایشگاه اتومبیل، گوش دادن به موسیقی جاز یا تماشای سریال‌های کمدی و کارهای نظیر آن و قابلیت مشخص ساختن تفاوت و فاصله‌ی اجتماعی امری ذاتی نیست بلکه امری اکتسابی است که در جریان زمینه‌ها کسب می‌شود (استونز، ۱۳۷۹، ۳۳۹). همچنین او قابلیت جابه‌جایی استعداد زیباشناختی، شناخت و ذائقه را به شکل خوشه‌ای در ارتباط نزدیک با سطح تحصیلات قرار می‌دهد؛ مثلاً ساختار نمونه‌ای ترجیحات و شناخت درباره‌ی نقاشی در ارتباط با ساختار مشابه شناخت و ذائقه‌های فرد نسبت به گوش دادن موسیقی کلاسیک، رفتن به سینما و... قرار می‌گیرد. در این ساختار، مراتب یک میدان ممکن است به دلیل شباهت یا هم‌وزنی با مراتب دیگر مرتبط شوند. بنابراین، بین تحصیلات، ذوق نیکو و اطلاع از صور فعالیت‌های فراغتی والا می‌توان نسبتی برقرار کرد (Bourdieu, 1984, 175).

با توجه به استدلال‌های نظری می‌توان نتیجه گرفت که بین سرمایه فرهنگی و نحوه گذران اوقات فراغت رابطه وجود دارد و اوقات فراغت بر اساس مفهوم تمایز در گروه‌های مختلف انسانی متفاوت خواهد بود که بر اساس آن فرضیات زیر مطرح شده است.

فرضیه اول: به نظر می‌رسد میانگین انواع اوقات فراغت در بین دو گروه دانشجویان زن و مرد تفاوت معناداری دارد.

فرضیه دوم: به نظر می‌رسد میانگین انواع اوقات فراغت در بین دو گروه دانشجویان متأهل و مجرد تفاوت معناداری دارد.

فرضیه سوم: به نظر می‌رسد میانگین سرمایه فرهنگی خانواده دانشجویان در بین گروه‌های مختلف (جنسیت، وضعیت تأهل و رشته تحصیلی) تفاوت معناداری دارد.

فرضیه چهارم: به نظر می‌رسد سرمایه فرهنگی خانواده دانشجویان با انواع اوقات فراغت دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد.

۳- روش تحقیق

رویکرد مقاله توصیفی-مقایسه‌ای است که به دنبال توصیف و مقایسه انواع اوقات فراغت و شناسایی رابطه و همبستگی بین انواع اوقات فراغت با سرمایه فرهنگی در بین دانشجویان دانشگاه تهران

می‌باشد. روش تحقیق پیمایشی است و از لحاظ معیار زمان یک تحقیق مقطعی است زیرا در یک برهه از زمان یعنی سال ۸۹ بررسی شده است. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان دانشگاه تهران می‌باشد. برای محاسبه حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده گردید و جهت اطمینان ۱۰ درصد بیش از حجم نمونه برآورد شده، انتخاب شد که پس از حذف پرسشنامه‌های ناقص و داده‌های پرت این تعداد به ۴۰۰ نفر رسید. روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی نامتناسب و تصادفی ساده بوده است که دانشکده‌های دانشگاه تهران به عنوان طبقه در نظر گرفته شد و سهم هر دانشکده در نمونه، نامتناسب با سهم آن در جامعه آماری می‌باشد.

۴-تعریف عملیاتی متغیرها

۴-۱-تعریف عملیاتی مربوط به متغیر اوقات فراغت

با گسترش بخش‌های مختلف اشتغال و امور اجتماعی تنوع فراوانی در فعالیت‌های اوقات فراغت مشاهده می‌شود. آنچه در طبقه‌بندی ذیل می‌آید تنها بخش کوچکی از گستره عظیم اوقات فراغت است (رجب زاده، ۱۳۸۱، ۴).

دومازیه انواع فراغت را براساس نیازهای جسمی، روانی افراد طبقه‌بندی نموده که در ۵ دسته به شرح زیر می‌باشند:

۱- فراغت‌های جسمانی نظیر ورزش‌های مختلف، قدم زنی، استراحت، درازکشیدن، مسافرت و تعطیلات. ۲- فراغت هنری نظیر بازدید از موزه‌ها و بناهای یادبود، شرکت در جشن‌های مختلف، رفتن به سینما، تئاتر، کنسرت، نقاشی و نواختن موسیقی. ۳- فراغت عملی نظیر کاردستی (سفال سازی، باغبانی، سوزن‌سازی) این نوع فراغت به ویژه در میان افراد کم درآمد بیشتر راجع است. همچنین این نوع فراغت از آنجا که جنبه کاربردی دارد و در عین اینکه به عنوان یک فراغت دلپذیر است، به نحوی با وظایف خانوادگی نیز مرتبط می‌شود. ۴- فراغت فکری: عمده این نوع فراغت در مطالعه تجلی می‌شود و می‌تواند شامل مطالعه روزنامه‌ها، مجلات، کتب مختلف می‌باشد. گوش دادن به رادیو و تماشای تلویزیون در این طبقه قرار دارند. ۵- فراغت‌های اجتماعی: این نوع فراغت در پوشش انواع تفریح‌ها، دید و بازدیدها، گردهمایی دوستانه دوره‌های مختلف خانوادگی و ... ظاهر می‌شود (ارفعی عین‌الدین، ۱۳۸۸، ۵۵-۵۴).

نوربرت الیاس و اریک دانینگ، طیفی موسوم به طیف اوقات فراغت را مطرح کرده‌اند که براساس آن فعالیت‌های اوقات فراغت به سه نوع متداخل تقسیم می‌شوند: الف) فعالیت‌های کاملاً یا عمدتاً اجتماعی (ب) فعالیت‌های حرکتی و جنبشی ج) فعالیت‌های نمایشی (Elias & Dunning, 1986, 95).

در طبقه‌بندی فعالیت‌های اوقات فراغت در ایران توسط بسیاری از عالمان علوم اجتماعی انجام شده است که در این مقاله به طبقه بندی رجب زاده اشاره می‌گردد.

۱- فعالیت فرهنگی: مفهوم خاص فعالیت فرهنگی مواردی همچون نشست‌های دوستانه فرهنگی بازدید از موزه‌ها، نمایشگاه‌ها و گالری‌ها، رفتن به سینما، موزه، تئاتر و... در این فعالیت‌ها فرد با امر فرهنگی آشنا می‌شود. ۲- فعالیت مذهبی: فعالیت مذهبی گرایش انسان به امر مقدس و ماورالطبیعه است، فعالیت دینی یکی از انواع فعالیت زمان فراغت را شامل می‌شود. ۳- فعالیت اجتماعی: گرایش به دیگران و اجتماع وجه دیگری از حیات انسانی است. برخی از فعالیت‌های اجتماعی عبارتند از: مشارکت در امور خیریه و اجتماعی داوطلبانه و دید و بازدید با اقوام و خویشان، همسایگان، دوستان و آشنایان. ۴- فعالیت‌های ورزشی: فعالیت ورزشی در خدمت بازتولید انرژی هدر رفته در زمان کار و ضامن سلامتی جسم و روان است و از سویی دیگر باید آن را به عنوان نوعی فعالیت که در آن مجموعه‌ای از روابط و تعامل‌ها شکل می‌گیرد دانست. ۵- فعالیت تفریحی: مانند رفتن به پارک، سینما و مراکز تفریحی. ۶- فعالیت هنری و دستی: گرایش و تمایل افراد به انجام کارهای هنری و دستی به دلیل گستردگی این نوع کارها در مقوله‌های متنوع، ارزان بودن وسایل و ابزار آن می‌باشد. مهمترین فعالیت‌های مورد نظر در این بخش شامل: قالی‌بافی، خیاطی، قلاب بافی، ملبله دوزی، کاموآبافی و ... می‌باشد.

آنچه که باید مدنظر قرار بگیرد آن است که ما به طور آرام شاهد تغییر الگوهای اوقات فراغت در نسل جدید نسبت به نسل قبل هستیم. گسترش الگوهای گذران فراغت که بیشتر جنبه «انفرادی» دارد بر سایر الگوهای جمعی رجحان پیدا کرده است که بررسی این موضوع می‌تواند تا حدودی تبیین‌کننده تغییرات فرهنگی در سطح جامعه باشد (رجب زاده، ۱۳۸۱، ۵-۸).

جهت سنجش نحوه گذران اوقات فراغت دانشجویان در این مقاله از ترکیب تقسیم‌بندی‌های دومازیه و رجب‌زاده، استفاده شده است و گذران اوقات فراغت در پنج طبقه آمده‌اند که هر یک شامل فراغت‌های زیر می‌باشند:

- ۱) فراغت فکری: میزان انجام فعالیت درسی، گوش دادن به رادیو، رفتن به کلاس زبان، کامپیوتر و .. ، مطالعه کتاب، مطالعه روزنامه، مطالعه مجله، استفاده از اینترنت و رفتن به کتابخانه.
- ۲) فراغت فرهنگی - هنری: رفتن به کلاس‌های هنری (موسیقی، نقاشی، عکاسی و ...)، گوش دادن به موسیقی، رفتن به سینما، رفتن به تئاتر و رفتن به موزه.
- ۳) فراغت اجتماعی: میزان چت کردن، شرکت در انجمن‌ها و تشکل‌های فرهنگی، صنفی و سیاسی، صحبت کردن با دوستان به صورت حضوری یا تلفنی، استفاده از فیس‌بوک، صحبت کردن با اعضای خانواده، رفتن به اماکن ورزشی، رفتن به کافی‌شاپ، رفتن به اماکن مذهبی و ارسال و دریافت پیامک.
- ۴) فراغت سرگرمی - تفریحی: میزان تماشای تلویزیون در روز، تماشای فیلم با وی سی دی در روز، رفتن به مراکز خرید در ماه، رفتن به مهمانی در ماه، رفتن به پارک و مراکز تفریحی در ماه.
- ۵) فراغت جسمانی: میزان استراحت، میزان ورزش کردن.

۵- تعریف عملیاتی مربوط به متغیر سرمایه فرهنگی

سرمایه فرهنگی خانواده دانشجویان بر اساس نظریه بوردیو در سه بعد نهادینه، تجسم یافته و عینیت یافته مورد سنجش قرار گرفته است.

متغیر	ابعاد	خرده ابعاد	مولفه	شاخص		
سرمایه فرهنگی	نهادینه	تحصیلات		نوع مدرک تحصیلی		
				تجسم یافته	میزان آگاهی سینمایی	شناخت هنر پیشه‌ها و کارگردان
	شناخت فیلم	ایرانی / خارجی				
	میزان آگاهی موسیقایی	شناخت خواننده ها	ایرانی / خارجی			
		شناخت سازهای موسیقی	ایرانی / خارجی			
	عینیت یافته	میزان مالکیت کارهای فرهنگی		کتاب	تعداد کتاب‌های قدیمی، خطی و نوشتاری	
				تابلو	تعداد تابلوهای نقاشی روی دیوار منزل	
				اشیاء	تعداد اشیاء قدیمی و زیر خاکی	
				کتابخانه	تعداد کتاب	
		نوع موسیقی مصرفی	نوع فیلم مصرفی		سبک‌های رایج موسیقی	ایرانی / خارجی
					سبک‌های رایج فیلم	ایرانی / خارجی
		نوع کتاب مصرفی			از نظر موضوع	داستان ، علمی، رمان.....
					نوع زبان	داخلی، خارجی

۶- اعتبار و اعتماد پرسشنامه

جهت بررسی اعتبار^۱ پرسشنامه از شیوه توافق داوران استفاده شده است. به طوری که پرسشنامه در اختیار اساتید مجرب و کارشناسان خبره قرار گرفته و نقطه نظرات اصلاحی آنان اعمال شده است تا برداشت یکسان از سؤالات به دست آید. همچنین جهت بررسی روایی یا قابلیت اعتماد^۲ متغیر نحوه گذران اوقات فراغت از روش بازآزمایی^۳ استفاده شده است. در این روش صفت مورد مطالعه با استفاده از پرسشنامه طراحی شده در دو زمان مختلف اندازه گرفته می‌شود. در مقاله حاضر جهت بررسی همبستگی

1 - Validity

2 - Reliability

3 - Test – Retest

در دو اندازه‌گیری تکرار شده (با فاصله یک هفته)، مربوط به شاخص‌های نحوه گذران اوقات فراغت، از آزمون ویلکاکسون^۱ استفاده گردید (حیدری چروده، ۱۳۹۰) که در دو اندازه‌گیری، در هریک از شاخص‌ها، تفاوت معناداری وجود ندارد، به عبارت دیگر روایی آن تأیید شده است. جهت بررسی روایی متغیر سرمایه فرهنگی از آزمون آلفای کرنباخ استفاده شد که میزان آلفا ۰/۷۶ به دست آمد که در علوم انسانی میزان آلفا مورد قبول است. تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز با نرم افزار spss نسخه ۱۸ انجام شده است.

۷- یافته‌های تحقیق

در این بخش در ابتدا به یافته‌های توصیفی و سپس به یافته‌های استنباطی پرداخته می‌شود. در بخش آمار توصیفی فراوانی و درصد سرمایه فرهنگی خانواده دانشجویان، فراغت فکری، فرهنگی- هنری، اجتماعی، سرگرمی - تفریحی و جسمانی در جدول زیر آمده است.

جدول شماره ۱: فراوانی و درصد سرمایه فرهنگی و انواع اوقات فراغت

متغیر	اصلاً		خیلی پایین		پایین		متوسط		بالا		خیلی بالا	
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
سرمایه فرهنگی خانواده	-	-	۲۶	۱۳۲	۴۱/۵	۱۱۰	۳۴/۶	۴۰	۱۲/۶	۱/۰	۳/۱	
فکری	-	-	۹۴	۲۳/۵	۲۱۴	۵۳/۵	۸۶	۲۱/۵	۶	۱/۵	-	-
تفریحی - سرگرمی	۱۰	۲/۵	۹۲	۲۳/۰	۱۷۰	۴۲/۵	۹۶	۲۴/۰	۳۲	۸/۰	-	-
اجتماعی	-	-	۷۴	۱۸/۵	۲۳۴	۵۸/۵	۸۸	۲۲/۰	۴	۱/۰	-	-
هنری - فرهنگی	۲۸	۷/۰	۲۴۶	۶۱/۵	۱۰۰	۲۵/۰	۲۴	۶/۰	۲	۰/۵	-	-
جسمانی	۸	۲/۰	۶۴	۱۶/۰	۱۷۴	۴۳/۵	۱۱۰	۲۷/۵	۳۲	۸/۰	۱۲	۳/۰

با توجه به نتایج به دست آمده از جدول فوق ۵۰ درصد افراد دارای سرمایه فرهنگی طبقه متوسط به بالا بوده‌اند و در گذران اوقات فراغت، فراغت فکری ۲۳ درصد، فرهنگی- هنری ۶/۵ درصد، اجتماعی ۲۳ درصد، سرگرمی - تفریحی ۳۲ درصد و جسمانی ۳۸/۵ درصد در طبقه متوسط به بالا بوده‌اند با توجه به

1 -Wilcoxon

نتایج به دست آمده اوقات فراغت دانشجویان بیشتر با فراغت‌های جسمانی و تفریحی و سرگرمی پر می‌شود.

جهت بررسی تفاوت معناداری هریک از انواع اوقات فراغت در بین دو گروه دانشجویان زن و مرد از آزمون T مستقل استفاده شده است که نتایج آن در جدول زیر آمده است.

جدول شماره ۲: آزمون T انواع فراغت در بین دانشجویان زن و مرد (فرضیه اول)

تفاوت میانگین‌ها	Sig	df	T	نتیجه آزمون لوین	لوین		نحوه گذران اوقات فراغت
					Sig	F	
۰/۰۳۱	۰/۶۳۲	۳۹۸	۰/۴۷۹	واریانس همگن	۰/۵۰۵	۰/۴۴۴	فراغت فکری
-۰/۴۰	۰/۰۰۰	۳۹۸	-۴/۶۹۷	واریانس همگن	۰/۸۶۲	۰/۰۳۰	فراغت تفریحی - سرگرمی
-۰/۱۶	۰/۰۰۸	۳۹۸	-۲/۶۷۰	واریانس همگن	۰/۱۸۱	۱/۷۹۸	فراغت اجتماعی
-۰/۱۰	۰/۱۰۷	۳۹۸	-۱/۶۱۶	واریانس همگن	۰/۵۶۲	۰/۳۳۷	فراغت هنری - فرهنگی
-۰/۶۰	۰/۵۱۰	۳۹۸	-۰/۶۵۹	واریانس همگن	۰/۲۵۹	۱/۲۷۸	فراغت جسمانی

با توجه به نتایج به دست آمده از جدول فوق در فراغت‌های تفریحی - سرگرمی و اجتماعی با توجه به همگنی واریانس در آزمون لوین بین دانشجویان زن و مرد تفاوت معناداری دارند. و از علامت منفی میزان T (تفاوت میانگین‌ها) که در آن گروه اول مرد و گروه دوم زن می‌باشند، می‌توان نتیجه گرفت فراغت تفریحی - سرگرمی و فراغت اجتماعی در بین دانشجویان زن بیش از مردان است. همچنین لازم به ذکر است که فراغت‌های فکری، هنری - فرهنگی و جسمانی در بین دانشجویان تفاوت معناداری بین زن و مرد وجود ندارند. جهت بررسی تفاوت معناداری هریک از انواع اوقات فراغت در بین دو گروه دانشجویان متأهل و مجرد از آزمون T مستقل استفاده شده است که نتایج آن در جدول زیر آمده است.

جدول شماره ۳: آزمون T انواع فراغت در بین دانشجویان متأهل و مجرد (فرضیه دوم)

تفاوت میانگین‌ها	Sig	df	T	نتیجه آزمون لوین	لوین		نحوه گذران اوقات فراغت
					Sig	F	
-۰/۱۳	۰/۲۵۸	۳۹۸	-۴/۰۰۲	واریانس همگن	۸۷۰	۰/۲۷	فراغت فکری
۰/۴۲	۰/۱۰	۳۹۸	۲/۶۰۴	واریانس همگن	۱۲۰	۲/۴۲۵	فراغت تفریحی - سرگرمی
۰/۱	۰/۹۱۹	۳۹۸	۰/۱۰۲	واریانس همگن	۲۰۲	۱/۶۳۲	فراغت اجتماعی
-۰/۰	۰/۹۳۷	۳۹۸	-۰/۸۰	واریانس همگن	۶۱۲	۰/۲۵۷	فراغت هنری - فرهنگی
۰/۴۸	۰/۰۰۵	۳۹۸	۲/۸۲۴	واریانس همگن	۰/۷۶	۳/۱۶۸	فراغت جسمانی

با توجه به نتایج به دست آمده از جدول فوق فراغت‌های تفریحی- سرگرمی و جسمانی با توجه به همگنی واریانس در آزمون لوین بین دانشجویان متأهل و مجرد تفاوت معناداری دارد و از علامت مثبت میزان T (تفاوت میانگین‌ها) که در آن گروه اول متأهل و گروه دوم مجرد می‌باشند، می‌توان نتیجه گرفت که فراغت تفریحی- سرگرمی و فراغت جسمانی در بین دانشجویان متأهل بیش از مجردین است. همچنین قابل ذکر است که در فراغت‌های فکری، اجتماعی، هنری - فرهنگی بین دانشجویان متأهل و مجرد تفاوت معناداری وجود ندارد. جهت بررسی تفاوت معناداری سرمایه فرهنگی خانواده دانشجویان در هریک از گروه‌های جنسیتی، وضعیت تأهل و رشته تحصیلی دانشجویان از آزمون T مستقل استفاده شده است که نتایج آن در جدول زیر آمده است.

جدول شماره ۴: آزمون T سرمایه فرهنگی خانواده دانشجویان در بین گروه‌های مختلف دانشجویان (فرضیه سوم)

تفاوت میانگین‌ها	Sig	df	T	نتیجه آزمون لوین	لوین		نحوه گذران اوقات فراغت
					Sig	F	
-۱۰.۲۷	.۰۰۰	۳۱۶	-۴.۰۰۲	واریانس همگن	.۵۲۵	.۴۰۴	دانشجویان علوم پایه و علوم انسانی
-۵.۹۳	.۰۲۱	۳۰۱.۷	-۲.۳۲۴	واریانس ناهمگن	.۰۰۰	۱۶.۳۲	دانشجویان زن و مرد
-۱.۳۷	.۰۷۲۸	۳۱۶	-۳.۴۴۸	واریانس همگن	.۸۳۰	.۰۰۴۶	دانشجویان متأهل و مجرد

با توجه به همگنی آزمون لوین، سرمایه فرهنگی خانواده دانشجویان در بین دانشجویان علوم پایه و علوم انسانی تفاوت معناداری دارند و علامت منفی میزان T نشانگر آن است که میانگین سرمایه فرهنگی در دانشجویان علوم پایه بیش از دانشجویان علوم انسانی می‌باشد. نتایج آزمون T با توجه به ناهمگنی در آزمون لوین، نشان از تفاوت معنادار سرمایه فرهنگی در بین دانشجویان زن و مرد می‌باشد و علامت منفی میزان T نشانگر آن است که میانگین سرمایه فرهنگی در دانشجویان زن بیش از مردان می‌باشد. همچنین نتایج آزمون T نشان می‌دهد که سرمایه فرهنگی دانشجویان متأهل و مجرد تفاوت معناداری ندارند. جهت بررسی رابطه معناداری انواع اوقات فراغت و سرمایه فرهنگی خانواده دانشجویان از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است که نتایج آن در جدول زیر آمده است.

جدول شماره ۵: ضرایب همبستگی پیرسون بین انواع فراغت و سرمایه فرهنگی خانواده دانشجویان (فرضیه چهارم)

فراغت فکری	فراغت هنری - فرهنگی	فراغت اجتماعی	فراغت تفریحی - سرگرمی	فراغت جسمانی		
**۰/۲۳	**۰/۲۴	**۰/۲۵	**۰/۱۵	**۰/۶۰	r	سرمایه فرهنگی خانواده ها
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۱۲	Sig	

با توجه به نتایج ضریب همبستگی پیرسون، به جز فراغت جسمانی همه انواع فراغت با سرمایه فرهنگی خانواده دانشجویان رابطه معناداری دارند و میزان شدت رابطه به ترتیب در فراغت اجتماعی، هنری - فرهنگی، فکری و تفریحی - سرگرمی از زیاد به کم می‌باشد.

۸- بحث و نتیجه‌گیری

انجام فعالیت‌های فراغتی مناسب در گذران اوقات فراغت در شکل‌گیری شخصیت پویا، تلاشگر و با نشاط نیروی فکری و معنوی یک جامعه نقش مهم و مؤثری ایفا می‌کند و بی‌توجهی و کم‌توجهی بدان، نتایج تلخ و زیانباری در پی دارد؛ اگرچه اوقات فراغت را می‌توان مهمترین و دلپذیرترین اوقات آحاد بشر دانست اما این اوقات ممکن است برای عده‌ای متضمن تعمق و تفکر و ساختن و ابداع باشد و برای عده‌ای دیگر ملال‌آور و یا دربردارنده آسیب‌های جسمی و روانی.

با توجه به نتایج به دست آمده اوقات فراغت دانشجویان بیشتر با فراغت‌های جسمانی و تفریحی - سرگرمی پر می‌شود و فقط ۲۳ درصد فراغت فکری و ۶۵ درصد فراغت فرهنگی - هنری دانشجویان در طبقه متوسط به بالا بوده‌اند که این میزان‌ها برای قشر دانشجو بسیار پایین می‌باشد و با توجه به اینکه یکی از اهداف مهم اوقات فراغت رشد استعدادها است (محمد رضایی، ۱۳۸۰؛ اسدی، ۱۳۵۲؛ تیبیا، ۱۳۸۹؛ ارفعی عین‌الدین، ۱۳۸۸) انتظار می‌رفت که با توجه به فضای علمی دانشگاه، دانشجویان از فراغت‌های فکری، فرهنگی - هنری و اجتماعی بیشتری برخوردار باشند و به نظر می‌رسد این هدف مهم اوقات فراغت مورد غفلت واقع شده است.

- با بررسی فرضیه اول تحقیق این نتیجه به دست آمده است که فراغت‌های تفریحی - سرگرمی و اجتماعی علیرغم تفاوت معناداری در بین دانشجویان زن بیش از مردان است. برخی از نظریه‌ها و تحقیقات این یافته را تأیید می‌کنند. رابرتز، جنسیت را به عنوان مبنای مفهوم ساختار در تحلیل اوقات فراغت می‌داند (Veal, 2002, 362).

از استدلال رابرتز می‌توان چنین نتیجه گرفت که با دانستن اطلاعات مربوط به جنسیت می‌توان تفاوت‌های موجود میان اوقات فراغت در افراد را تبیین کرد (تیبا، ۱۳۸۹، ۶۹). بورديو نیز به تفاوت‌های جنسیت اهمیت می‌دهد، زنان طبقات مختلف، عادت‌واره‌های بدنی خاص خود را دارند که از طریق موازنه قدرت میان دو جنس در درون طبقات و گروه‌ها و میان آن شکل می‌گیرد. تلقی متفاوت، بدون برداشت متفاوت متناظر با آن از بدن سبب شکل‌گیری گرایش‌های متفاوت نسبت به بدن و سرمایه‌گذاری متفاوت در فعالیت‌های فراغتی معطوف به بدن می‌شود (Javie & Maguire, 1994, 203).

نتایج حاصله از تحقیق گارتون و پرات در مورد ارتباط میان شرکت در فعالیت‌های فراغتی و علاقمندی نوجوانان و دلیل عدم توانایی آنها برای شرکت در برخی فعالیت‌ها با مشخصات دموگرافیک

آنها در غرب استرالیا، نشان داد که جنسیت از عمده‌ترین عوامل تعیین‌کننده در مشارکت و علاقمندی به فعالیت‌های فراغتی است. در آمریکا نیز تحقیقات به نتایج مشابهی دست یافته‌اند (Veal, 1991) و در تحقیقات داخلی نیز رابطه بین جنسیت با نوع و میزان اوقات فراغت تأیید شده است (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۱؛ اشرف‌الکتابی، ۱۳۷۹؛ احمدی، ۱۳۸۰).

- با بررسی فرضیه دوم تحقیق این نتیجه به دست آمده است که فراغت تفریحی- سرگرمی و جسمانی در بین دانشجویان متأهل بیش از مجردین است. شاید دلیل یافته‌ها این بوده است که متأهلین بیشتر با خانواده‌ها به گذران اوقات فراغت می‌پردازند و علاوه بر آن متأهلین بنا به ضرورت سلامتی و یا فرصت بیشتر به فراغت تفریحی- سرگرمی و جسمانی بیشتر می‌پردازند.

- با بررسی فرضیه سوم تحقیق این نتیجه به دست آمده است که سرمایه فرهنگی خانواده دانشجویان در رشته‌های تحصیلی مختلف تفاوت دارد و این میزان در رشته علوم پایه بیشتر از علوم انسانی می‌باشد و همچنین سرمایه فرهنگی در گروه‌های جنسیتی مختلف تفاوت معناداری دارد و این میزان در دانشجویان زن بیش از مردان می‌باشد. برخی از نظریه‌ها و تحقیقات این یافته را تأیید می‌کنند.

تحلیل ثانویه بر روی داده‌های حاصل از پیمایش جوانان و آینده شغلی - تحصیلی آنها (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۳) نشان می‌دهد که افراد با سرمایه فرهنگی بالاتر ترجیح می‌دهند در آینده شغل خود را براساس علاقه انتخاب کنند، به ارزش‌های فرامادی، بیشتر از ارزش‌های مادی گرایش دارند و به مشاغل پزشکی، فنی و مهندسی علاقه‌مند می‌باشند ولی آنهایی که سرمایه فرهنگی پایین‌تری دارند به اقتصاد شغل آینده خود توجه دارند و به تجارت و بازرگانی و رشته‌های علوم انسانی علاقه‌مند هستند (امیرپویان، ۱۳۸۴، ۴۷-۵۳) و میانگین نمره سرمایه فرهنگی برای زنان، بالاتر از مردان است (خوش‌فر، شارع‌پور، ۱۳۸۱).

- با بررسی فرضیه سوم تحقیق این نتیجه به دست آمده است که سرمایه فرهنگی با همه انواع فراغت به جز فراغت جسمانی رابطه معناداری دارد و میزان شدت رابطه به ترتیب فراغت اجتماعی، هنری - فرهنگی، فکری و تفریحی - سرگرمی از زیاد به کم می‌باشد.

برخی از نظریه‌ها و تحقیقات این یافته را تأیید می‌کنند که تأثیرپذیری فراغت‌های فکری از سرمایه فرهنگی بیشتر از فراغت‌های دیگر است (شعبان‌زاده، ۱۳۸۴). بورديو معتقد است که سرمایه فرهنگی موجب تفاوت است و به دائمی‌کردن تفکیک‌ها و نابرابری‌های اجتماعی کمک می‌کند (لوپز و اسکات، ۱۳۸۵، ۱۳؛ جنکینز، ۱۳۸۵، ۱۷۳). او با استفاده از این مفهوم استدلال می‌کند که تمایزهای اجتماعی را می‌توان در مجموعه‌ی متنوعی از اعمال اجتماعی که بطور سنتی مربوط به فراغت می‌شود مثل تعطیلات، ورزش‌ها، مطالعه، موسیقی، سینما و سایر ذوق و قریحه‌ها مشاهده کرد (اباذری و چاووشیان، ۱۳۸۱، ۱۵؛ هینیک، ۱۳۸۴، ۷۷).

۹- پیشنهادات

فعالیت‌های فراغتی برای یک جوان محلی برای آزمون و خطا و تجربه اندوزی اجتماعی است و او را برای ورود به اجتماع و مسؤولیت‌پذیری در آینده آماده و مجهز می‌سازد. طبق بررسی‌های جامعه‌شناسان رخ‌دادن بزه‌کاری‌ها و انحرافات اجتماعی در اوقات فراغت بیش از اوقات اشتغال است. پس باید اوقات فراغت برای جوانان به گونه‌ای طراحی شود تا از بروز موارد آسیب‌زا جلوگیری به عمل آورد. پژوهش‌های انجام شده حکایت از آن دارد که بسیاری از موارد شدید انحرافات در میان جوانان نتیجه بی‌برنامه بودن جهت گذران اوقات فراغت است.

هیچ انحرافی فارغ از نحوه گذران اوقات فراغت جوانان نیست. هنگامی که زمان فراغت با خلاء مواجه می‌شود و بستر گرایش به برخی از انحرافات فراهم می‌شود، یعنی جوان سرگردان باقی می‌ماند و راهی برای گذران زمان آزادش به دلیل عدم وجود برنامه و امکانات فراغتی متناسب با ذائقه خود نمی‌یابد، راهها و شیوه‌های غیرمتعارف بسیاری در برابرش باز می‌شوند. بنابراین هیچ جامعه‌ی سالمی نمی‌تواند نسبت به زمان آزاد اعضایش به خصوص جوانان دانشجویی تفاوت باقی بماند.

فراهم آوردن امکانات مناسب برای قشر جوان و متناسب با فضای دانشگاهی که پرداختن به فراغت-های فکری و اجتماعی از ضرورت این دوران می‌باشد امری حیاتی است، زیرا که انجام فعالیت‌های فراغتی مناسب در گذران اوقات فراغت در شکل‌گیری شخصیت پویا، تلاشگر و با نشاط نیروی فکری و معنوی یک جامعه نقش مهم و مؤثری ایفا خواهد کرد.

در این راستا پیشنهاد می‌گردد به برنامه‌ریزی گذران اوقات فراغت جوانان توجه گردد و در این امر باید برنامه‌ها با انتظارات، علایق، نیازها و سطح رشد جوانان منطبق باشد، تا برای آنها جذاب و مطابق با آرزوها و خواسته‌هایشان گردد.

تنوع در طرح و اجرای برنامه‌های اوقات فراغت رعایت شود، زیرا جوانان تنوع طلب و نوگرا هستند. برنامه‌های اوقات فراغت جوانان باید مستمر، پویا و پیوسته باشد و از اجرای مقطعی و ناهماهنگ برنامه‌ها پرهیز گردد و در این امر به فراغت‌های هنری- فرهنگی برای جوانان که البته با چارچوب‌های فرهنگی جامعه نیز سازگار باشد توجهی وافر صورت گیرد و در نهایت آماده‌سازی شرایط، امکانات و فضای مناسب در دانشگاه‌ها بر اساس علاقمندی دانشجویان و ترغیب آنان به سمت فراغت‌های فکری و اجتماعی که این امر با تقویت سرمایه فرهنگی در دانشجویان محقق می‌گردد.

فهرست منابع

۱. ابادری، یوسف و حسن چاووشیان، ۱۳۸۱، از طبقه اجتماعی تا سبک زندگی: رویکردهای نوین در تحلیل جامعه‌شناسی هویت اجتماعی، دوفصلنامه نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۰، پاییز و زمستان.
۲. احمدی، نورالدین، ۱۳۸۰، بررسی میزان و نحوه گذراندن اوقات فراغت دانش‌آموزان دختر و پسر دوره متوسطه استان قم، پایان نامه کارشناسی ارشد، سایت خبرگزاری مهر.
۳. ارفعی، عین‌الدین، رضا، ۱۳۸۸، بررسی رابطه نحوه گذران اوقات فراغت و سلامت اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، بهمن.
۴. استونز، راب، ۱۳۷۹، متفکران بزرگ جامعه‌شناسی، ترجمه مهرداد میردامادی، نشر مرکز، تهران.
۵. اسدی، علی، ۱۳۵۲، گذران وقت در رضاییه، تهران: دبیرخانه شورای عالی فرهنگ و هنر، فرهنگ و هنر، شماره ۱۲.
۶. اشرف‌الکتابی، منوچهر، ۱۳۷۹، بررسی تغییرات نحوه گذران اوقات فراغت در خانواده‌های شهر تهران طی سه نسل، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
۷. امیرپویان، شیوا، ۱۳۸۴، منطق عملی و سرمایه جدید (مثالی در جامعه‌شناسی آموزش)، مجله رشد آموزش علوم اجتماعی، ویژه سرمایه اجتماعی، دوره نهم، زمستان ۱۳۸۴، شماره ۲، صفحه ۵۳ - ۴۷.
۸. امین‌طاهه، حسین، ۱۳۷۴، سازماندهی اداری و سازماندهی فضایی کارکرد گذران اوقات فراغت (مورد استراحتگاه شمال شرکت ملی نفت ایران)، دانشکده علوم زمین دانشگاه شهید بهشتی.
۹. باکاک، رابرت، ۱۳۸۱، مصرف، ترجمه: خسرو صبری، تهران، نشر و پژوهش شیرازه.
۱۰. بوردیو، پیر، ۱۳۷۹، تکوین تاریخی زیباشناسی ناب، ترجمه مراد فرهادپور، فصلنامه ارغنون، شماره ۱۷ ص ۱۶۶-۱۵۰.
۱۱. بوردیو، پیر، ۱۳۸۰، نظریه کنش: دلایل عملی و انتخاب عقلانی، ترجمه مرتضی مردیها، تهران: انتشارات نقش و نگار.
۱۲. تنهایی، ابوالحسن، ۱۳۸۴، تحلیل‌های نظری زمینه‌های جامعه‌شناسی معرفت بوردیو، فصلنامه تخصصی جامعه‌شناسی، سال اول، شماره سوم، دانشگاه آزاد اسلامی واحد آشتیان.
۱۳. تیبیا، مجتبی، ۱۳۸۹، بررسی رابطه پایگاه اجتماعی - اقتصادی و چگونگی گذران اوقات فراغت در بین دانشجویان (جوان ۱۸ تا ۲۹ سال) دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.

۱۴. جنکینز، ریچارد، ۱۳۸۵، پی‌یر بوردیو، ترجمه لیلا جوافشان و حسن چاووشیان، نشر نی، تهران.
۱۵. حیدری چروده، مجید، ۱۳۹۰، راهنمای سنجش روایی و پایایی در پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.
۱۶. خوش‌فر، غلامرضا و محمود شارع‌پور، ۱۳۸۱، رابطه سرمایه فرهنگی بر هویت اجتماعی جوانان (مطالعه موردی شهر تهران)، نامه علوم اجتماعی، پاییز و زمستان، شماره ۲۰.
۱۷. دومازیه، ژوفر، ۱۳۸۱، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی اوقات فراغت (مقاله نهم از کتاب: تلویزیون، خانواده و فرهنگ)، ترجمه علی اسدی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات اسلامی.
۱۸. رجب‌زاده، احمد، ۱۳۸۱، رفتارهای فرهنگی ایرانیان: فعالیت و مصرف کالاهای فرهنگی در تهران.
۱۹. رفعت‌جاه، مریم، ۱۳۷۸، دختران جوان و اوقات فراغت، سایت انسان‌شناسی و فرهنگ.
۲۰. روح‌الامینی، محمود، ۱۳۶۵، زمینه فرهنگ‌شناسی، انتشارات عطار، تهران.
۲۱. ریتزر، جرج، ۱۳۸۰، نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی، تهران.
۲۲. زواره، ۱۳۸۶، مطالعه رابطه میان سبک زندگی و وضعیت سلامت زنان خانه‌دار در دو منطقه شمال و جنوب تهران با تأکید بر سنجش میزان آگاهی از حق سلامت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: ملیحه شیانی، دانشگاه تربیت مدرس: دانشکده علوم انسانی.
۲۳. سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۱، بررسی وضعیت اوقات فراغت جوانان، پژوهش تحقیقی سازمان ملی جوانان، سرای اهل قلم، تهران.
۲۴. سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۳، جوانان و آینده شغلی-تحصیلی آنها، پژوهش تحقیقی سازمان ملی جوانان، تهران.
۲۵. شعبان‌زاده، مهناز، ۱۳۸۴، بررسی رابطه قشربندی اجتماعی و نحوه گذران اوقات فراغت در بین دانشجویان دختر شهرستان لنگرود، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی
۲۶. صباغ لنگرودی، مهدی، ۱۳۷۷، چگونگی اوقات فراغت دانشجویان پسر دانشگاه اصفهان با تأکید بر فعالیت‌های ورزشی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده تربیت بدنی دانشگاه تربیت معلم تهران.
۲۷. فاضلی، محمد، ۱۳۸۲، مصرف و سبک زندگی، انتشارات صبح صادق، تهران.
۲۸. گیدنز، ۱۳۷۶، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی.
۲۹. لچت، جان، ۱۳۷۷، پنجاه متفکر بزرگ معاصر. ترجمه محسن حکیمی، انتشارات خجسته، تهران.

۳۰. لویز، خوزه و جان اسکات، ۱۳۸۵، ساخت اجتماعی، ترجمه حسین قاضیان، نشر نی، تهران.
۳۱. محمدرضایی، علی اکبر، ۱۳۸۰، بررسی راه‌های ساماندهی فعالیت‌ها و برنامه‌های سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با اوقات فراغت نوجوانان و جوانان در استان گلستان، پایان‌نامه کارشناسی، کتابخانه مرکز تحقیقات استان گلستان.
۳۲. مرکز آمار ایران، ۱۳۸۶، گزیده نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۸۵، دفتر انتشارات و اطلاع‌رسانی، تهران.
۳۳. هینیک، ناتاکی، ۱۳۸۴، جامعه‌شناسی هنر، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، انتشارات آگه، تهران.
۳۴. ملاحسنی، حسین، ۱۳۸۱، بررسی رابطه بین میزان سرمایه اجتماعی و نوع دینداری در بین دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان در استان گلستان (علی آباد گنبد) در سال ۱۳۸۱، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
۳۵. نیازی، محسن و محمد کارکنان نصرآبادی، ۱۳۸۶، تبیین جامعه‌شناختی رابطه سرمایه فرهنگی خانواده با هویت اجتماعی جوانان، مطالعات ملی، شماره ۳۱، ۸۰-۵۵.

36. Elias, Norbert & Dunning Erick (1986). *Guest for Excitement: Sport and Leisure in the civilizing Process*, Blackwell, Oxford.
37. Swartz. David (1997). *Culture and power: the sociology of Pierre Bourdieu*. The university of Chicago press
38. Bourdieu, Pierre. (1984). *Distinction: A Social Critique if the Judgement of Taste*. Routledge.
39. Veal, J. Anthony (2002). *Society and Leisure*, V. 24, autumn, university of technology, Sydney.
40. Javie, Grant & Maguire, joseph (1994). *Sport and Leisure in social thought*, voutledge.
41. Veal, A.J. (1991). *Australian Leisure Futures*, Publication 13, Centre for Leisure and Touris Studies, University of Technology, Sydney.
42. Veal, A.J. (1993). *Lifestyle, Leisure and neighbourhood*, In: Veal, A.J. Jonson, P. and Cushman, G. (eds) *Leisure and Touris: Social and Environmetal Change*,

World Leisure and Recreation Association 1991 Congress Proceedings. Centre for Leisure and Tourism Studies, University of Technology, Sydney, 404-413.